عَقائِد واَحکامِ اَساسیٔ اسلام

جواهِرالاِیمان

تالیف

مفتیٔ اعظم هِند مفتی کِفایت الله دهلوی رحمه الله

ترجمه

محمّد أنور بدخشانی

شَیْخ الحَدِیثْ بجَامِعَة العُلومْ الإسْلامیّة
علّامه یوسف بنوري تاؤن کراتشي

عَقائِد و اَحکامِ اَساسئ اسلام

جواھِر الِایمان

تالیف

مفتئ اعظم ھِند مفتی کِفایت اللہ دھلوی رحمہ اللہ

ترجمہ

محمّد أنور بدخشانی

شَیْخ الحَدِیْث بجَامِعَة العُلوْم الإسْلامیّة

علّامه یوسف بنوري تاؤن کراتشي

نام کتاب: .... جواهر الإيمان

نام مؤلف: .... مفتی کفایت اللہ رحمۃ علیه

تاریخ طباعت ۱٤۱۲ھ

باهتمام: .... الحاج محمد نسیم الشفیق وبرادران

مطبعه: .... إدارة القرآن والعلوم الإسلامية

ڈی۴۳۷۰ گارڈن ایسٹ کراچی۵

فون : ۷۱٦٤۸۸ = ۷۷۳۳٦۸۸

این کتاب را به نیت اجر وثواب وحصولِ رضای الهی مفت تقدیم کرده می شود ، از دربار پروردگار امید دارم که این خدمت حقیر را شرف قبولیت بخشیده مایان را توفیق استقامت به صراط مستقیم وخاتمه بالخیر نصیب کند.

آدرس وصولی

شفیق سنز

۱۰۱ بوهری بازار صدر کراچی ۳

فون : ۵۳۹۱۰۱ = ۵٦۸۲۳٤۵ = ۵۱۵۱۰۱

فهرست موضوعات

بسم اللّٰه الرحمن الرحیم

عرض ناشر

درین شبه نیست که بحث وگفتگو از ایمان وچیزهای مربوط به آن موجب فائدهٔ مؤمن است، قسمیکه هر چیزیکه افتاده باشد، وکسی او را استعمال نه کند خراب وکهنه می شود، به همان طور ایمان نیز کم وزیاد می شود باین معنی که اگر از اقوال وافعال مربوط به ایمان بحث وتکرار شود ایمان قوی می شود، واگر غفلت اختیار کرده شود ایمان ضعیف می گردد، چنانچه جناب نبی کریم علیه الصلوة والسلام در یك حدیث فرمودند که «ایمان خود را تازه کنید» لذا حضرت مولانا مفتی کفایت اللّٰه دهلوی (رحمه اللّٰه) اگرچه درین کتاب کوچك خود مسائل ابتدائی واصول مشهور ایمان را درج نموده است لیکن تجربه شاهد است که خواندن این کتاب در هر مرتبه برای خواننده باعث

تازگی ایمان وی می گردد، لهذا از خواننده ٔ گرامی التجا کرده می شود که وقت خود را فارغ نموده این کتاب را به توجّه واخلاص کامل بار بار مطالعه کند، إن شاء اللّه موجب خیر وبرکت وذریعه ٔ فیوض ربانی وتازگی ایمان وی خواهد گردید. ازین سبب این کتابچه ٔ دارای مسائل ضروریه را باراده ٔ بجا آوری مسؤلیت دعوت وتبلیغ ونشر احکام اساسی اسلام بطبع رسانیده می شود تاکه موردِ استفاده ٔ عام وخاص قرار گیرد، بناء برین مجانًا (مفت) توزیع کرده می شود.

ناشر وتوزیع کننده:
طالب دعای خیر
محمد نسیم الشفیق غفر له
شفیق سنز بوهری بازار ۱۰۱ صدر کراچی
-پاکستان-

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيْمِ

پیش گفتار

الحمد لله على آلائه، وصلى الله وسلم على أفضل أنبيائه، وعلى آله وصحبه، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم لقائه.

اما بعد: چون به برکت جهاد افغانستان خدای بزرگ وبرتر همان بخارا ودیگر ایالات اسلامی که به علت ترک جهاد در زیر تسلط کفار سرخ رفته بودند آزادی بخشید، وسازمان های خیریه واهل دعوت وتبلیغ از هر طرف قیام کردند تا که برای مسلمانان آسیای میانه خدمت های اقتصادی ودینی وعلمی انجام بدهند.

چنانچه جناب الحاج محمد نسیم الشفیق که سهم گیری وَی در کارهای خیر خصوصاً در دعوت وتبلیغ به کسی مخفی نیست خواست که برای همان مسلمانان ستم دیدهٔ هفتاد ساله که از کتب ودیگر ذرائع دینی بکلی

محروم بودند نخستین از همه خدمتی انجام دهد، ونظر به گفته حکیم سنائی که ع:

غم دین خور که غم غمِ دین است

همه غم ها فروتر از این است

دفع حوائج دینی آنها را از همه مقدم دانسته خواست کتابی برای شان آماده کند که دارای مسائل اساسی اسلام وقابل اعتبار وموجز باشد، چون راجع باین موضوع از رسالهٔ "جواهر الایمان" مؤلفه مفتئ اعظم هند مولانا مفتی کفایت الله (رحمه الله) زیاده مفید وآسان تر به نظر نیامد، لذا به ترجمه کنانیدن آن به زبان درّی (فارسی) وطبع وتوزیع آن مجانًا پرداخت، ودر راه خدا مبلغ وافری را بخرچ رسانیده کتاب موصوف را نشر نمود. طوریکه قبل ازین نیز چندین کتب دینی بسیار مفید را طبع ومجانًا توزیع نموده است.

خدای ذو الجلال این مساعی مخلصانهٔ وی را قبول فرماید آمین.

محمد انور بدخشانی

١٤١٢/٨/١١هـ

ایمان مفصّل

آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَمَلائِكَتِهِ وكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ مِنَ اللّٰهِ تَعَالَى وَالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ.

ترجمه: ایمان آوردم به خدا، وبه فرشتهای آن، وبه کتاب های نازل کرده ٔ آن، وبه پیغمبران آن، وبه روز آخرت (قیامت) وایمان آوردم برینکه اندازه ٔ نیکی وبدی همه از طرف خدای تعالی است، وبه زنده کردنِ بعد از موت (در قبر برای سوال وجواب، چنانچه ملا علی قاری در شرح فقه ٔ اکبر چنین گفته است).

عقائد مربوط به ذات وصفات خدای ذو الجلال

١- خدا یك است که او را شریکی نیست.

٢- خالق ومالك (متصرّف) تمام جهان او است.

٣- نه او را اولاد است، ونه با کسی خویشی

وقرابت دارد.

٤- نه او را ابتداء است ونه انتهاء، بلکه همیشه بوده است، وهمیشه خواهد بود.

٥- از رنگ وبوی، واز جسم وجسمانیات (لوازم جسم) بکلی پاك است.

٦- نه او را خواب می گیرد، ونه از مخلوقات خود غافل می باشد.

٧- از هر عیب ونقصان پاك است.

٨- می بیند ومی شنود، وهر وقت در اداره وانجام دادنِ حاجاتِ مخلوقات مشغول است.

٩- دارای قدرت وتوانائی بزرگ است.

١٠- هر هر ذرهٔ کائنات از کوچك وبزرگ (خورد وکلان) زیر اداره وحکم او است.

١١- صحت وبیماری، زندگی وموت، رزق واولاد همه بفرمان او است. وهمه بقدرت او در میدان وجود می آید:

هر چه هست از بلندی وپستی

همه زو یافت صورت هستی

١٢- او به هر هر ذرّه دانا است که چیزی از وی پوشیده نیست، حتی که راز های درون دل وذرات زیر دریا

یك یك به او معلوم است.

۱۳- هر چه خواهد می کند، او را هیچ منع کنندهٔ نیست.

طرفة العین جهان برهم زند

کس نتواند که آنجا دم زند

١٤- هر چیز فقط بقدرت وارادهٔ او در عالم هستی قدم می ماند.

۱۵- عالم الغیب (دانندهٔ چیز هایکه از عقل وحواس بشر بالا باشد) فقط ذات ذو الجلال است وبس.

١٦- در ذات وصفات وافعال او هیچ شریکی نیست.

هیچ کس در ملك او انباز نے

قـــول او را لحن نے آواز نے

۱۷- او زیر فرمانِ کسی نیست، بلکه همه کائنات در زیر فرمان وتحت کنترول او است.

۱۸- قدرتِ او بالا تر از همه قدرت ها است.

۱۹- قدرت وقوّتِ حاجت براری (دفع حاجات) بندگان را او دارد وبس.

نداریم غیر از تو فریاد رس

توئی عاصیان را خطا بخش وبس

هرچه خواهی از خدا خواه اے پسر
نیست در دست خلائق خیر وشرّ

عقائد مربوط به رسالت

(ایمان به پیغمبران)

روز و شب طالبِ قبولِ وی ایم
پیرو وامت رســـــول وی ایم

۱- خدا وند متعال پیغامبران زیادی فرستاده است، (که به عربی آنها را رسول ونبی می گویند).

۲- اولِ همه پیغمبران آدم علیه السلام است، وآخر همه جناب محمد علیه الصلوة والسلام است.

شکر حق را که پیشوا داریم
پیشـــوای چو مصـــطفی داریم

۳- بعد از آدم علیه السلام تا محمد ﷺ چقدر پیغامبری که آمده است همه برحق اند.

٤- شماره وتعداد صحیح پیغامبران را که تمامی آنها چند بوده است فقط به خدای متعال معلوم است، (لذا گفته می شود که کم وبیش یك لك وبیست چهار هزار پیغمبر فرستاده شده است).

٥- همه پیغامبران بشر وبندهٔ خدا بوده اند (نه نور وملائکه بودند ونه خدا ونه پسر خدا).

٦- از همه گناه های خورد وکلان، بلکه از لغزش های ارادی پاك بودند، نیز همه برگزیدهٔ (منتخب کرده) خدا وبندگان مقبول وی بوده اند.

٧- از جملهٔ آنها جناب ابراهیم وموسی وعیسی علیهم السلام زیاده صاحب فضل ومرتبه بودند، وپیغمبر ما جناب محمد ﷺ از همه افضل اند. (واین چهار بزرگواران بنام "پیغمبران اولو العزم" خوانده می شوند).

٨- جناب محمد ﷺ خاتم النبیّین (خاتمه وآخری) همه پیغامبران اند، که بعد از آنحضرت ﷺ دیگر پیغمبر هرگز نخواهد آمد، (طوریکه آیات قرآن مقدّس واحادیث نبوی بران دلالت می کند) چون جناب محمد علیه الصلاة والسلام تعلیم دین وشریعت را بآخری درجه کمال رسانید، لذا آنحضرت پیغمبر تمام جهانیان است (وشریعت وی آخری وکامل ترین شریعت ها است).

٩- بعد از مبعوث شدن وی بدون ایمان آوردن بآن نجات ممکن نیست.

١٠- معجزهٔ واضح وابدی آنحضرت ﷺ قرآن مقدس است (که تمام عالم از آوردن، وتقدیم کردن برابر یك

آیت آن هم عاجز شدند). ونیز سیرت پاك آنحضرت شاهد عادل است بر حقانیت نبوت شان، طوریکه دشمنان وی نیز او را به لقب "صادق وامین" می خواندند).

۱۱- جناب محمد عربی علیه الصلاة والسلام باوجود ناخوان بودن بعد از خدای ذو الجلال دیگر آز همه علم وافر داشتند، مگر عالم الغیب نه بودند؛ چونکه این از صفات خاصهٔ خدای متعال است، بلی خدای مهربان بسیاری از واقعات وحوادث گذشته وآینده را بآن حضرت وحی کرده دانانیده بود.

عقائد مربوط به فرشته ها (ملائکه)

۱- تعریف ملائکه (فرشته): ملائکه یك مخلوق نورانی (پیدا شده از نور) است که از لطافت (نازك بودن) اجسام شان (مانند هوا که به نظر نه می آید) دیده نه می شوند، نه مرداند ونه زن، (طوریکه گل ها ومیوه ها نه مرد دارند ونه زن) ونه در آنها تولد وتناسل (پیدا شدن از نسل یك دیگر است (بلکه مستقیماً خدا آنها را پیدا می کند) ونه موت آنها مانند مردنِ ما است (بلکه نظام موت آنها قسم دیگر است که شما کلان شدید باز می فهمید).

۲- از خواهشات نفسانی وگناه بکلی پاك می باشند، وهر وقت در عبادت خدا مشغول می باشند (که خسته نه می شوند، واز حکم خدا یك سر موی تجاوز نه می کنند.

۳- بسیار از کار های کائنات را خدای ذو الجلال به فرشته ها سپرده است، که آنها طبق فرمان خدا وندی انجام می دهند.

٤- شماره وعدد فرشتگان را غیر از خدا دیگر کسی نمی داند.

٥- از انجمله چهار فرشته زیاده مشهور وصاحب مرتبه می باشند.

(۱) حضرت جبرئیل امین که پیغامات خدا وندی (وحی) را به انبیای کرام علیهم السلام می رسانید، (چقدر وحی که بانبیاء علیهم السلام آمده است همه بذریعهٔ جبرئیل علیه السلام است.

(۲) حضرت عزرائیل که مأمور به قبض ارواح است (وهزار ها ملائکه همکار او می باشند).

(۳) حضرت میکائیل که رسانیدن رزق وبارانیدن بارش ودیگر امور به او مربوط است.

(٤) حضرت اسرافیل که در روز قیامت به دمیدن

صور مكلف است، يك مرتبه كه در صور مى دمد (پوف مى كند) همه دنيا فانى مى شود، وبار دوم كه مى دمد همه مرده ها زنده مى شوند.

عقائد راجع به كتاب هاى آسمانى

داد ما را كتاب تا خوانيم

كرد ما را خطاب تا دانيم

١- خداى ذو الجلال به بعض پيغامبران كتاب وببعض ديگر آنها صحيفه نازل كرده است.

٢- كتاب عبارت است از مجموعهٔ بزرگ، وصحيفه عبارت است از مجموعهٔ كوچك (كتابچه).

٣- دران كتاب ها وصحيفه ها احكام خدا وندى بود براى هدايت بشر وراه نماى آنها.

٤- چندين صحيفه به ابراهيم عليه السلام نازل شده بود، وبه موسى عليه السلام تورات نازل شد، وزبور به داود عليه السلام نازل شد، وبه عيسى عليه السلام انجيل نازل شد.

ليكن مردم آن عصر آن صحيفه ها وكتاب ها را تحريف وتبديل نمودند (كه حق به باطل خلط شد، وشناختن

حق از باطل مشکل شد) لذا بائیبل موجوده (مجموعهٔ اناجیل) کتاب آسمانی اصیل نیست.

٥- پس خدای ذو الجلال قرآن مقدّس را به محمد ﷺ (پیغمبر آخر الزمان) نازل کرد (تا که مردم جهان روابط شان به پروردگار عالم مستحکم شده از راه حق آگاه شوند).

٦- وتا امروز درهیچ لفظ وحرفِ او تبدیلی یا کمی وزیادتی نیامده است، ودر آینده نیز در حروف وکلمات او تبدیلی وکمی وبیشی نخواهد آمد، لذا انکار نمودن از یك مسئله (بلکه یك حرف) آن موجب کفر است.

(تبدیلیِ وتحریف قرآن مقدس ازین سبب نا ممکن است) که خدای تعالی خود این کتاب را نازل کرده است، وخود محافظهٔ این کتاب را وعده کرده است.

یك دلیل مخافظه نمودن قرآن این است که در جهان اسلام لك ها افراد یافته می شوند که قرآن مقدس در سینه شان محفوظ است.

عقائد مربوط به احوال قبر
(عذاب وراحت قبر)

١- انسان بعد از مردن لازمًا سزای کفر وایمان، وسزای اعمال بد ونیك خود را می بیند.

٢- قبر اولین منزل (جای فرود آمدن) است از منازل آخرت (که حالات آخرت ازینجا آغاز می شود).

٣- در قبر دو فرشته بنام "نکیر ومنکر" آمده از سه چیز امتحان می گیرند (سوال می کنند):

(١) پروردگار تو کیست؟ (٢) دین تو چیست؟ (٣) به طرف محمد ﷺ اشاره نموده می گویند که این شخص کیست؟ (یعنی ربّ تو که بود؟ ودین تو چه بود؟ وپیغمبر تو که بود؟). (یا اینکه خدا ودین اسلام وپیغمبر ﷺ را قبول داشتی یا نه).

٤- مرده اگر مسلمان باشد (دارای ایمان باشد) می گوید که: ربّ من الله است، ودین من اسلام است، ومحمد ﷺ بندهٔ خدا ورسول او است. پس برای او در قبر دروازهٔ کشاده می شود به طرف جنّت وتار روزحشر درآرام می باشد.

٥- واگر مرده کافر یا منافق باشد جواب صحیح دادن نه می تواند، پس در عذاب های مختلف مبتلا می

شود، وتا روز قیامت این شخص درعذاب های گوناگون گرفتار می باشد.

٦- باقی این عقیده بکلی غلط است که بعد از مردن جان یك انسان درجسم حیوان یا انسان دیگر داخل می شود (بلکه این عقیدهٔ هنود است).

چون هر شخص را در قبر طبق عمل آن سزا داده می شود، ودر روز آخرت مطابق کردار خود سزا می یابد (که اگر نیك باشد اجر وثواب داده می شود، واگر بد باشد تکلیف وعذاب می بیند).

٧- عذاب قبر بالکل بر حق است (طوریکه آیات واحادیث برین دلالت می کند).

٨- عذاب وراحت قبر موقوف به دفن کردن در زمین نیست، بلکه بمجردن جان از بدن برآمدن اولین مرحلهٔ عالم آخرت آغاز می شود، واعمال را اساس قرار داده می شود.

عقائد مربوط به تقدیر خیر وشرّ

١- هر چیزیکه درعالم واقع می شود از خیر یا شرّ (نفع یا نقصان، غم یا خوشی) همه مطابق علم واندازه

وارادهٔ الهی واقع می شود، یك ذرّه هم از علم واندازهٔ خدا وندی خارج نه می باشد.

۲- درقرآن مقدس ارشاد است که: ﴿إِنَّا كُلَّ شَىْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾. ترجمه: یقیناً ما هر چیز را مطابق یك اندازهٔ معیَّن پیدا کرده ایم.

۳- خدای ذو الجلال قبل از ایجاد کائنات طبق علم قدیم خود قلم تقدیر را حکم کرد که "بنویس، قلم عرض کرد که چه نویسم؟ حکم شد که: بنویس هر چه که موجود است وهر چه که موجود خواهد شد". وهمین عبارت است از نوشتهٔ تقدیر که دران کمی وزیادتی را امکان نیست.

٤- از آیات قرآنی واحادیث نبوی علیه الصلاة والسلام معلوم می شود که تقدیر بر دو قسم است: یکی مبرم یعنی تقدیر قطعی ومطلق، دوم تقدیر مشروط ومعلّق، چنانچه قوم نوح علیه السلام را حکم شد که شما ایمان بیارید، واز پیغامبر خود اطاعت کنید گناهٔ شما بخشیده می شود، ونیز شما را مهلت داده می شود تا اجل معین واجل قطعی تان، یعنی قبل ازان شما را هلاك کرده نه می شود، والا به اجل معلق که مشروط به اختیار کفر است هلاك خواهید شد، چنانچه به همان اجل معلق همه غرق شدند.

ملاحظه: راجع به تقدیر در اصل کتاب چیزی نبود لذا تکمیلا للفائدة این را زیاده کرده شد.

عقائد درباره ٔ قیامت وعلامات واحوال آن

مرده صد ساله را حی می کند
این بجز حق دیگری کی می کند

علامات قیامت:

(۱) ظهور دجّال (یك شخص بے دین وفریب کار وگمراه کننده ٔ مردم).

(۲) نزول حضرت مسیح علیه السلام از آسمان.

(۳) قبل از عیسی علیه السلام ظهور جناب مهدی (یك شخص بسیار نیك وهدایت یافته که مردم را بطرف عدل وانصاف دعوت میدهد). این سه علامات ودیگر علامات که در حدیث های صحیح مذکور است همه حق وراست است.

قیامت:

(١) بعد ازین علامات زمین وآسمان وتمامی کائنات همه فنا شده قیامت برپا خواهد شد.

(٢) بعد از فنای این آسمان وزمین خدا آسمان وزمین دیگر پیدا خواهد کرد.

(٣) وهمه انسان ها دوباره زنده کرده می شوند.

(٤) ودر عدالت وداد گاهٔ خدا وند ایستاده کرده می شوند، که:

(٥) اولا اعمال آنها وزن کرده (تول کرده) می شود.

(٦) ثانیاً ازان پل گذراینده می شوند که به عربی "صراط" گفته می شود، کسانیکه کافر وگنهگار باشند به بسیار مشقت عبور می کنند یا در دوزخ می افتند، ومؤمنان طبق مراتب مختلفهٔ که دارند بزودی یا بدیری عبور می کنند.

(٧) کفار ومنافقین تا همیشه در دوزخ می باشند، ومسلمانان گنهگار بعد از سوختن بقدر گناه شان از دوزخ بیرون کرده می شوند.

شفاعت: عبارت است از سفارش نمودن وواسطه شدن پیش کسی برای کسی دیگر، ودر شریعت عبارت است از واسطه شدن پیغمبران ویا دیگر اشخاص نیك بدربار پروردگار برای معاف کنانیدنِ اشخاص گنهگار.

(۱) جناب محمد ﷺ برای گنهگاران امت خود شفاعت می کنند وخدای متعال نیز شفاعت وی را در حق آنها قبول خواهد کرد.

(۲) بندگان نیك نیز در حق گنهگاران شفاعت می نمایند.

(۳) اولاد نابالغ مسلمانان نیز برای پدر ومادر خود شفاعت می کنند، وتمامی این شفاعت ها بحکم واذن خدای متعال خواهد بود.

احکام آب

حکم آب چاه:

مسئله ۱: آب کم به افتیدن نجاست پلید (نجس) می شود.

آب کم آنست که نه جاری باشد، ونه ده گز در ده گز (صد گز مربع) یعنی جاری هم نباشد واز ده در ده هم کم

باشد.

مسئله ۲: از افتیدن نجاست در چاه آب چاه نیز پلید می شود، نجاست خواه کم باشد یا زیاده.

مسئله ۳: نیز اگر در چاه حیوان که دارای خون جاری باشد افتاد ومرد آب چاه نجس می شود.

مسئله ٤: اگر در چاه یك قطرهٔ خون یا شراب یا بول یا براز، یا پارچه ولباس ناپاك بیفتد یا شخص که جسم یا لباس آن ناپك باشد در چاه غوطه زند در تمامی این صورت ها آب چاه نجس می شود، نیز اگر یك انسان در چاه افتد ودر چاه بمیرد، ویا خوك بیفتد خواه هلاك شود وخواه زنده بیرون شود درین صورت ها نیز آب چاه نجس می شود، واگر اسپ یا خر یا اشتر یا گاو یا گاو میش یا گربه یا سگ در چاه افتد وبمیرد نیز آب چاه پلید می شود، ودر تمامی صورت های بالا تمام آب چاه را کشیده می شود.

مسئله ٥: واگر موش یا گنجشك یا حیوان که برابر آنها باشد در چاه افتیده بمیرد بیست ستل آب از چاه کشیده شود چاه پاك می شود.

مسئله ٦: واگر کبوتر یا مرغ یا گربه یا حیوان مثل این ها در چاه افتیده بمیرد چهل ستل از آب چاه کشیده شود آب چاه پاك می شود، در هر چاه ستلِ آن اعتبار است

یعنی ستل که برای آب کشیدن در هر چاه می باشد خواه
خورد باشد خواه کلان همان را اعتبار است.

مسئله ۷: اگر لازم باشد که تمامی آب چاه کشیده
شود (چنانچه در صورت مردن سگ یا خوك در چاه) لیکن
آب چاه چشمه داشته باشد که ختم نه می شده باشد پس چه
باید کرد؟ درین صورت باید که آب چاه را بذریعهٔ چوب
دراز یار سن که در نوك آن سنگ بسته شود مقدار عمق
آب را معلوم کرده شود که چند گز است؟ اگر معلوم شد که
مثلا آب ده گز است پس تا یك ساعت به یك طوری ازان
آب کشیده شود وباز دیده شود که چقدر مانده است؟

به همین طور تا ده ساعت آب را بیرون کنند در پاك
شدن چاه کفایت می کند، یعنی برای بیرون کردن یك گز
آب یك ساعت صرف کنند.

مسئله ۸: اگر حیوان که در چاه افتاده بود ورم کند
یا پاره پاره شود نیز کل آب چاه را کشیده می شود، خواه
حیوان خورد باشد یا کلان.

مسئله ۹: هر مقدار آب که از چاه کشیده می شود
خواه در یك بار کشیده شود ویا به تدریج، یعنی در دو یا
سه نو به نیز صحیح است، در هر دو صورت آب چاه پاك
می شود.

مسئله ۱۰: حیوانات که تولد وتناسل وزندگی شان در آب است اگر در چاه بمیرند آب نجس نه می شود، مانند ماهی وسنبقه وغوك آبی ودیگر کرم های آبی.

مسئله ۱۱: هر حوض وقُولِ که پنج میتر دراز وپنج میتر پهن باشد یعنی طول وعرض آن پنج میتر باشد آن در حکم دهِ در ده می باشد، وهر حوض که مربع باشد ومقدارش همین (٥٥میتر) باشد در حکم دهِ در ده می باشد باید که به احتیاط کامل به این مسائل عمل کرده شود.

مسائل مربوط به قضای حاجت واستنجا

مسئله ۱: قبل از نشستن در جای قضای حاجت (جای بول وبراز) باید این دعا را بخواند: «اَللهُمَّ إنِّیْ أعُوْذُ بِكَ مِنَ الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ».

مسئله ۲: باید در بیت الخلاء (جای قضای حاجت) اولا پای چپ را ماند بعداً پای راست را.

مسئله ۳: روی یا پشت خود را بطرف قبله نباید کرد.

مسئله ٤: بعد از فراغ از قضای حاجت (اگر ممکن باشد بذریعهٔ سه سنگ یا سه کلوخ خود را صاف کند، وبول را نیز بذریعهٔ کلوخ یا کاغذ استنجا خشك نماید.

مسئله ٥: بعداً بذریعهٔ آب نیز استنجا نماید، واگر در محل نجاست گندگی باقی نمانده باشد، درین صورت اگر بآب استنجا نکند هم وضو ونمازش درست می شود.

مسئله ٦: اگرچه فضیلت استنجا بآب همرای استنجای خاکی زیاده است، لیکن اگر تنها به یکی اکتفاء کند هم درست است، اما در صورت انفرادی فقط استنجای بآب از استنجای به سنگ وکلوخ زیاده اولی است.

ملاحظه: بسیار از نادان ها که در شهر های بزرگ می روند وآنجا غیر از آب دیگر چیزی برای استنجا نه می یابند، خیال می کنند که تنها بآب استنجا درست نه می شود واین بالکل غلط است، چون کتاب های فقه ازین پرست که جائز است.

مسئله ۷: وبعد از فارغ شدن از قضای حاجت یعنی بعد از بیرون شدن از بیت الخلاء یا بعد از بند ازار را بستن باید این دعا را بخواند: «غُفْرَانَكَ اللّٰهُمَّ».

مسئله ۸: در وقت قضای حاجت شرمگاه خود را نظر نباید کرد.

مسئله ۹: در انگشتری که نام خدا ورسول یا کلمه یا آیت نوشته باشد همرای خود به جای قضای حاجت نباید برد.

مسئله ۱۰: بعد از بول کردن خود را خشك باید کرد که قطرهٔ بول بند شود.

مسئله ۱۱: در وقت قضای حاجت نه کسی را سلام کند، ونه سلام کسی را جواب دهد، ونه با کسی سخن کند که این جائز نیست.

طریقِ استنجا در تابستان وزمستان

بعد از فراغ از قضای حاجت بذریعهٔ سنگ یا کلوخ باید باین طور استنجا کند:

مسئله ۱: مرد در ایام گرمی کلوخ یا سنگ را اولا (در حین پاك کردن خود) باید از جانب پیش بطرف عقب ببرد، وبار دوم از طرف عقب بجانب پیش ببرد، وسنگ یا کلوخ سوم را از طرف پیش بجانب عقب کش کند. ودر ایام سردی باید که سنگ یا کلوخ اول را از عقب طرف پیش ببرد، ودوم را از پیش بطرف عقب، وسوم را از عقب بطرف پیش، بعداً به آب استنجا کند (اگر ممکن باشد) واین فرق

در گرمی وسردی به سبب این است که در گرمی اعضای انسان سست وکشال می باشد، ودر سردی جامد ومائل بطرف بالا می باشد.

مسئله ۲: زن همیشه (در گرمی وسردی) از طرف پیش سنگ یا کلوخ را بجانب عقب کش کند، وبعداً بآب استنجا کند، هر یکی از مرد وزن را باید که در ازالهٔ نجاست کوشش کنند.

۱۳- مسئله: به استخوان وسرگین وپارو ودیگر چیز های ناپاك استنجا درست نیست.

١٤- مسئله: تا آنکه محل ستر باز است در حین قضای حاجت یا استنجا باید با کسی سخن نکند، واگر عطسه آید الحمد لله نگوید، ونه در جواب عطسه کسی «یرحمك الله» گوید، وبدون ضرورت در محل استنجا یا محل قضای حاجت زیاده نشستن جائز نیست.

۱۵- مسئله: در سوراخ دیوار یا از طرف پایان به طرف بالا بول کردن مکروه است، نیز ایستاده بول کردن مکروه وخلاف تهذیب است.

در بول کردن در سوراخ دیوار خطر است که چیزی از دیوار بیرون شده او را به گزد، ودر طرف بالا بول کردن

خطر است که بدن یا لباس از پس آمدن بول نجس شود، در ایستاده بول کردن بلا ضرورت خلاف تهذیب بشری وخطر بی نماز شدن لباس وبدن است.

۱۶- مسئله: به دست راست استنجا کردن، ودر حین قضای حاجت خوردن ونوشیدن خوب نیست، هر مرد وزن بالغ ومسلمان را برای محافظه از نجاست لازم است که احتیاط کند، چون جناب سرور کائنات -علیه التحیة والتسلیم- فرمودند که زیاده تر عذاب قبر از دست بے پروائی وبے احتیاطی در بول می باشد.

مسائل مربوط به نجاست وچیزهای پلید

مسئله ۱: نجابست بر دو قسم است: نجاست غلیظه (قوی) نجاست خفیفه (سبك وضعیف)

حکم نجاست غلیظه وخفیفه: (۱) اگر از نجاست غلیظه زائد از قدر درهم در لباس یا بدن باشد ونا دانسته همرای آن نماز بخواند نمازش درست نه می شود، بلی اگر قدر درهم یا کم تر باشد نماز جائز می شود. (۲) واگر در

يك حصهٔ بدن يا لباس نجاست خفيفه رسيده باشد ومقدار نجس چهار يك همان حصهٔ بدن يا لباس باشد، ويا كم تر ازان ونا دانسته همرای آن نماز گذارد آن نماز درست است. واگر از چهار يك آن زياده باشد درست نه می شود (يك درهم شرعی برابر يك قران افغانی ويا هشت آنهٔ پاكستانی می باشد).

مسئله ۲: پس افگندهٔ (پاروی) همه حيوانات وبول وبراز ومنی انسان وشراب وخون وپاروی مرغ آبی وطاووس همگی نجاست غليظه است.

بلی بول حيوانات حلال (مثل بول گاو وبز وگوسنفد) وپاروی پرنده های حرام همگی نجاست خفيفه است. پاروی گنجشك وديگر پرنده های حلال نجس نيست.

مسئله ۳: اقسامِ نجاستِ غليظه: (۱) نجاست رقيق (تُنك) مثل بول وزرداب وديگر نجاست های تُنك. (۲) دوم نجاست سخت، مثل براز وديگر نجاست های سخت، كمی وزيادتی نجاست سخت از مقدار ووزن آن معلوم می شود، واز نجاست تُنك باعتبار منتشر شدن وجای زياد يا كم را تر كردن ورسيدن معلوم می شود.

مسئله ٤: حصهٔ ناپاك بدن يا لباس به سه مرتبه غسل دادن پاك می شود، ودر لباس اين هم لازم است كه

سه مرتبه او را فشرده شود.

مسئله ٥: چیزیکه فشردن آن مشکل باشد مثل بوریا وقالین وگلیم باید که او را خوب شسته بگذارد تاکه قطره های آب ازان بند شود، باز غسل داده بگذارد تاکه قطره ها بند شود، وبار سوم نیز غسل داده او را بگذارد پس او پاك می شود.

مسئله ٦: در زمین اگر نجاست تُنُك افتاد وزمین خشك شد که اثر نجاست معلوم نه می شد زمین پاك می شود.

مسئله ۷: چیز های ساخته شده از آهن ومانند آن، مثل کارد وشمشیر وآینه بذریعهٔ مسح کردن ومالیدن در زمین یا در دگر چیزی پاك طاهر می شود.

مسئله ۸: اگر نجاست غلیظه در آب افتاد آب هم نجس وناپاك می گردد مانند همان نجاستِ غلیظه.

مسئله ۹: قطره های بول که مثل سرسوزن در لباس یا بدن برسد بدن یا لباس ازان نجس نه می شود (لیکن احیتاط ازان بسیار لازم است).

مسئله ۱۰: خون که در وقت ذبح کردنِ حیوان خارج می شود آنهم نجس است، واگر در گوشت رسد شستن وپاك کردن گوشت لازم است، ورنه حرام می شود، بلی خون که

در داخل گوشت می ماند آن پاك است.

اے مصلی بیا طهارت کن
خانهٔ دین خـــود عمـــارت کن

چون بیاری طهارتت ظاهر
باطنت نیـــز حـــق کنـــد طاهر

احكام وضو

(فرائض وسنن ومستحبات)

در طهارت فریضـــه وسنت
بر تو خـــوانم روان وبے منت

۱- فرائضِ وضو: در وضو چهار فرض است (۱) شستن روي از موی پیشانی تا زیر زنخ وتا هر دو نرمهٔ گوش، (۲) شستن هر دو دست تا آرنج ها، (۳) چهار یك سر را مسح کشیدن، (٤) شستن هر دو پا تا شتالنگ (بجلك).

شستن روی دست ومسح سر است
شســتن پای نیـز معتبر است

۲- سنت های وضو: (۱) نیت (در دل اراده) کردن که برای نماز وضو می کنم، (۲) بسم الله الرحمن الرحیم خواندن (قبل از وضو) (۳) اولا هر دو دست را تا بند دست شستن (٤) دهان را شستن (٥) مسواك کردن (٦) بینی را بآب صاف کردن (۷) هر عضو را سه بار شستن (۸) تمامی سر را همرای هر دو گوش مسح کردن (۹) ریش ومیان انگشتان را خلال کردن (۱۰) اعضا را پی در پی یعنی پیش از خشك شدن یك عضو عضو دیگر را شستن (۱۱) ترتیب یعنی طوریکه در قرآن مقدس ذکر است (که اولا روی را بعداً هر دو دست را تا آرنج شستن، وباز سر را مسح کشیدن، ودر آخر پارا شستن).

۳- مستحبات وضو: (۱) گردن را مسح کشیدن (گر تو از مسح سر عمل گیری   مسح گردن ازین قبل گیری) (۲) دروقت وضو رو بطرف قبله کردن (۳) درحین وضو کلمهٔ شهادت را خواندن (٤) درهنگام وضو هر عضو را مالیدن (٥) وضو را از طرف راست شروع نمودن (٦) (اگر در آفتابه یا ظرف دیگر وضو کند) آب باقیماندهٔ وضو را ایستاده شده نوشیدن. (۷) دروقت وضو بلا ضرورت از کسی مدد نخواستن.

مکروهات وضو

در وضو مندرجهٔ ذیل چیز های مکروه است:

۱- در جای ناپاك وضو کردن ۲- به دست راست بینی را فشردن ۳- در حین وضو گپ دنیا را زدن ٤- به خلاف سنت وضو کردن ٥- زیاده از ضرورت آب را خرچ کردن.

مکن اسراف ماء مجّانی
چون ولا تسرفوا همی خوانی

(٦) (آب بروی سخت تر کردن)

آنچه از پس وپیش عیان گردد
آبدست ترا زیان گردد

چیز هایکه وضو را می شکند
(باطل می کند)

چیز های آینده وضو را باطل می سازد:

(۱) آنچه که از راه پس وپیش خارج شود (بول وبراز وباد) (۲) منی (۳) مذی (آب سفید که در حین شهوت خارج می شود (٤) کرم یا سنگریزهٔ که از محل

بول وبراز خارج شود (٥) خون، ویا زرداب خارج شود (٦) قی کردن که دهن پر شود (٧) تکیه کرده خواب کردن (٨) به سبب نشه یا غیر آن بیهوش شدن (٩) در غیر نماز جنازه بزور خندیدن.

(١٠) از کدام حصهٔ بدن نجاست خارج شدن.

خاطره: باید دانست که در هیئت نماز یعنی حالت قیام یا رکوع یا سجده اگر خواب یا پینکی آید وضو نه می شکند.

مسائل غسل

واسباب که غسل را واجب می گرداند

آن طهارت که قسم جسم آمد
ظاهـــــرش را همه سه قسم آمد

آن پاکی که به ظاهر جسم تعلق دارد سه قسم است: وضو، غسل، تیمم.

غسل از پنج چیز فرض شـــــود
بر زن ومرد همچو قرض شود

۱- در خواب یا در بیداری به شهوت منی خارج شود ۲- در قبل زن ویا دبر ذکر خود را داخل کردن ۳- حیض ختم شود ٤- نفاس خشك شود ۵- (هر زن که ایام حیض او خلط شود حتی که ایام حیض را از روز های پاکی فرق کردن نتواند.

(هر زن را که گم شود ایام

غسل باید به هر نماز مدام)

فرائض غسل:

هر کــه با دانش وتمیز بود

فرض در غسل او سه چیز بود

۱- دهان را شستن ۲- بینی را بذریعهٔ آب صاف نمودن، ۳- در تمام بدن یك بار آب را ریزانیدن.

سنن غسل:

سنت غسل جملگی پنج است

یاد گیرش که بهتر از گنج است

۱- اگر در جسم یا لباس نجاست رسیده باشد آن را دور کردن ۲- پاکی را بدل نیت کردن ۳- قبل از غسل وضو کردن ٤- در تمامی بدن سه مرتبه آب ریختن ۵- در حین غسل بدن را بدست مالیدن.

غسل روز جمعه وعیدین

۱- غسل کردن در روز جمعه پیش از نماز جمعه سنت است ۲- در هر دو عید نیز برای نماز عید غسل سنت است ۳- قبل از احرام هم غسل مسنون است ٤- هر کافر که مسلمان شود غسل کردن او نیز سنت است.

مسائل تیمم وطریقهٔ آن

مسئله: کسیکه به غسل کردن یا وضو لازم داشته باشد، مگر به اسباب ذیل بآب قادر نشود باید که تیمم کند.

تن به غسل وضو چو پاك کنی
آب اگر نیست قصد خاك کنی

۱- آب پیدا نه شد ۲- یا به سبب مریضی آب به او ضرر می کرد ۳- اسباب آب کشیدن از چاه موجود نبود ٤- یا از ترس دشمن به قریب آب رفتن ممکن نبود ٥- یا در سفر بود وآب بفاصلهٔ یك میل یا زیاده دور بود.

فرائض تیمم:

مسئله ۱- به نیت اینکه همرای این تیمم نماز می خوانم (وناپاکی خود را دور می کنم) ۲- هر دو دست را در خاك پاك بزند وبعد از تکایندن در روی خود بمالد وهر حصهٔ روی که در وضو رسانیدن آب بآن لازم بود در تیمم هم رسانیدن دست خاك آلود بآنجا لازم ست.۳- دیگربار دست های خودرا درخاك زده به هر دو دست خود تا آرنج بمالد، وانگشتان را خلال هم کند.

مسئله ۲- بر سنگ هم تیمم درست است اگرچه خاك وغبار نداشته باشد.

مسئله ۳- چیزهایکه تیمم ازاں باطل می شود: ۱- هر چیزیکه وضورا باطل می سازد تیمم را نیز باطل می سازد، ۲- از قادر شدن بآب که برای غسل یا وضو کافی باشد نیز تیمم باطل می شود.

مسائل اذان

۱- مسئله: باید اذان بعد از داخل شدن وقت داده شود. واگر قبل از وقت اذان داده شود اعاده آن لازم است. کلمات اذان را صحیح ادا کرده شود که در بعض غلطی ها خطر کفر است، ودربعض خطر گناه.

۲- مسئله: اذان صبی ومجنون وزن مکروه است بلکه از زن درست نیست، لذا لازم است که مؤذن مرد عاقل وبالغ وعالم بکلمات اذان باشد.

۳- مسئله: در اذان باوضو بودن زیاده بهتر است، اذان واقامت جنب مکروه است، البته ضرورةً اذان بی وضو جائز است.

٤- مسئله: درحین اذان باید هر دو انگشت شهادت را در گوش زند، وکلمات اذان را ایستاده ایستاده ادا کند (مثل اقامت جلدی نکند).

٥- مسئله: (اگر اسپیکر نباشد) باید مؤذن در یك جای بلند ایستاده شود تاکه آوازش خوب دور رود.

٦- مسئله: کسانیکه کلمات اذان را می شنوند سنت است که همان کلمات را آهسته آهسته بگویند (یعنی مؤذن را تصدیق کنند) بلی در "حیَّ علی الصلاة" و "حی

علی الفلاح" "لاحول ولا قوة إلا باالله" گویند ودر "الصلوة خیر من النوم" "صدقت وبررت" (یعنی راست گفتی وکارینك کردی) درحین نماز وبول براز وخطبه جواب اذان گفته نه شود.

۷- مسئله: بعد از اختتام اذان سنت است که مؤذن وهر شنونده اذان این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلاةِ الْقَائِمَةِ آتِ مُحَمَّدَانِ الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مُحَمَّدَانِ الَّذِیْ وَعَدْتَهُ إِنَّكَ لاَ تُخْلِفُ الْمِيْعَادِ.

۸- مسئله: غیر از اذان مغرب در دیگر اوقات باید که بعد از اذان یك مقدار فاصله بین اذان واقامت بوده باشد، بلی در اذان مغرب فاصله زیاد نباید بود.

فائده اذان: اذان از جمله شعائر وعلامات اساسی اسلام است که ازین عظمت وشان وشوکت اسلام معلوم می شود، باید مؤذن خوش آواز باشد که مردم نابلد از دین متنفر نشوند. در حدیث است که شیطان از شنیدنِ اذان می گریزد.

۹- مسئله: در گوش راست طفل نو مولود اذان ودر گوش چپ آن اقامت گفتن سنت است.

کلمات اذان

الله أکبر، الله أکبر، الله أکبر، الله أکبر. أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن لا إله إلا الله. أشهد أن محمداً رسول الله، أشهد أن محمداً رسول الله. حی علی الصلاة، حی علی الصلاة. حی علی الفلاح، حی علی الفلاح. الله أکبر، الله أکبر، لا إله إلا الله.

البته در إذان بامداد بعد از حی علی الفلاح دو مرتبه "الصلاة خیر من النوم" باید گفته شود.

احکام اقامت:

۱- در اقامت نیز همان کلمات را گفته می شود که در اذان گذشت، فقط بعد از "حی علی الفلاح" دو مرتبه "قد قامت الصلاة" گفته می شود.

۲- در اقامت قدری زودی کرده می شود، وانگشتان را در گوش زده نه می شود.

۳- اذان واقامت برای هر نماز فرض سنت (موکده) است، در نوافل اذان واقامت نیست.

٤- اگر در خانه نماز گذارد نیز اقامت مستحب است.

٥- امام بعد از ختم شدن اقامت ودرست کردن صف ها نمازا را شروع کند، چون فعل رسول الله ﷺ وصحابه همین بوده است (شرح نقایه از ملا علی قاری).

مسائل نماز وطریقهٔ آن

١- مسئله: باید اولاً بدن ولباس وجای نماز خود را پاك داشته با وضو رو بقبله ایستاده شود، ونماز را در دل خود نیت کند. (راجع به نیت از جناب نبی ﷺ وصحابهٔ کرام وائمهٔ دین هیچ گونه الفاظ خاص منقول نیست، چون نیت کار دل ست نه زبان، لذا چقدر الفاظ که در بارهٔ نیت نماز می بینید همه خود ساخته است) متأخرین به زعم خود ها بسیار چیز ها را ایجاد نموده آن را افضل قرار داده اند، واین نظر به مصلحت اجتهادی خود شان است، ورنه آنقدر که جناب شارع علیه الصلاة والسلام به امت خود خیر خواه بود، کسی نه بوده ونه خواهد بود، پس آوردن الفاظ نیت به زبان سنت نیست.

٢- مسئله: بعد از نیت تکبیر گفته هر دو دست خود را تا برابر گوش ها بالا کند (اگر تا برابر شانه هم بالا کند نماز درست می شود، چون در حدیث شریف هر دو طریقه

موجود است).

٣- مسئله: بعد از تکبیر "درثنا" این را بخواند "سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالٰى جَدُّكَ وَلاَ إِلٰهَ غَيْرُكَ".

٤- مسئله: بعد از ثنا أعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم را آهسته آهسته خواند.

٥- مسئله: بعداً در قراءت شروع نموده اولا سوره‌ء فاتحه وبعداً يك سوره‌ء دیگر را بخواند.

٦- مسئله: از قراءت که فارغ شد به رکوع خم شود وسه بار یا زیاده "سبحان ربی العظیم" خوانده سر خود را بالا کند و "سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ" گوید، در قومه (بعد از بالا کردنِ سر از رکوع وپیش ازینکه به سجده می رود) باید که خوب راست وبا اطمینان ایستاده شود، وباز به سجده رود.

٧- مسئله: بعد از رفتن به سجده سه بار یا زیاده "سبحان ربی الأعلى" بخواند وبعداً تکبیر گفته سر خود را بلند کند وبه اطمینان کامل قدری توقف کند وباز به سجده رود به همان طور سه بار یا زیاده "سبحان ربی الأعلى" گوید، پس از فراغت از سجده ایستاده شود به رکعت دوم.

٨- مسئله: در اول رکعت دوم خفيةً صرف بسم الله الرحمن الرحيم خوانده قراءت را آغاز کند یعنی سوره‌ء

فاتحه وسورهٔ دیگر را خوانده به رکوع رود، وبعد از فراغت از رکوع وسجده، رکعت دوم به قعده بنشیند و "التحیات" را تا "محمداً عبده ورسوله" بخواند، واگر نماز دو رکعتی باشد بعد از تشهد (التحیات) درود مسنون خوانده سلام می گرداند، واگر چهار رکعتی باشد فقط "التحیات" خوانده ایستاده شود بعد ازینکه یك رکعت آخر را در مغرب ویا دو رکعت آخر را در ظهر وعصر وعشاء فقط همرای سورهٔ فاتحه خوانده ختم کرد در قعده نشسته تشهد ودرود بخواند وباز سلام گرداند،بعد از درود قدری از ادعیهٔ مأثوره خواندن نیز سنت است.

۹- مسئله: امّا در سنن ونوافل در هر رکعت همرای فاتحه سورهٔ دیگر را خواندن لازم است.

۱۰- مسئله: دعای که قبل از سلام خوانده می شود اَللّٰهُمَّ إِنِّیْ ظَلَمْتُ نَفْسِیْ ظُلْمًا کَثِیْراً وَلاَ یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ إِلاَّ أَنْتَ فَاغْفِرْلِیْ مَغْفِرَةً مِّنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِیْ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُوْرُ الرَّحِیْمِ. اگر دیگر دعا هم یاد داشته باشد آنرا نیز بخواند.

۱۱- مسئله: در نماز وتر در رکعت سوم قبل از رکوع هر دو دست ها را بالا کرده تکبیر گو، وبعداً این دعای قنوت را بخواند اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِیْنُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ

وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِىْ عَلَيْكَ الْخَيْرِ وَنَشْكُرُكَ وَلاَ نَكْفُرُكَ وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يَّفْجُرُكَ اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّىْ وَنَسْجُدُ وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَحْفِدُ وَنَرْجُوْ رَحْمَتَكَ وَنَخْشَى عَذَابَكَ إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكُفَّارِ مُلْحِقٌ.

أذكار مسنونه بعد از سلام

١- بعد از سلام "اَللّٰهُمَّ أَنْتَ السَّلاَمُ وَمِنْكَ السَّلاَمُ وَ تَبَارَكْتَ يَا ذَا لْجَلاَلِ وَالإِكْرَامِ" را خواندن مسنون است.

خاطره: "اللّهم أنت السلام" طوريكه در قاعده هاى بغدادى نوشته شده است آن غلط است؛ چون در آخر آن مردم از خود كلمات زيادى پيوند كرده اند كه بركات كلمات وترتيب نبوى ﷺ را ختم نموده است. اگر ما در آخر سورهٔ فاتحه يا "التحيات" از خود چيزى زياده كنيم آن را هركس بد خواهد گفت، نيز زياده كردن در دعاى اذان و اللّهم أنت السلام از همين قسم است، ويا اين دعا را خواند اَللّٰهُمَّ لاَ مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلاَ مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلاَ يَنْفَعُ ذَالْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ.

٢- بعد از سلام گردانيدن ٣٣ مرتبه سبحان الله

گفتن، و۳۳ مرتبه الحمد لله گفتن، و۳٤ بار الله أکبر گفتن نیز سنت است.

اوقاتِ نماز

١- وقت نماز پیشین: (که از همه پیش تر فرض شده است) از زوال شروع می شود، وتا رسیدن سایهٔ هر چیز مثل (یك برابر خود غیر از سایهٔ اصلی) نزد صاحبین وائمهٔ ثلاثه) ومثل دو برابر خود نزد امام ابو حنیفه رحمه الله باقی می ماند، لیکن مفهوم دو برابر بودن این نیست که ظهر وعصر را یك جا خوانده شود، یعنی در ظهر تاخیر کرده شود، بلکه کسانیکه بعد از یك مثل عصر را می خوانند نماز شان به سنت زیاده قریب تر است، چون فاصله در بین ظهر وعصر نبی ﷺ از مقدار دو مثل کم تر معلوم می شود، چنانچه فاصله در بین نماز عصر ومغرب دور نبوی ﷺ زیاده بوده است به نسبت فاصله در بین نماز عصر ومغرب ما؛ چون نماز عصر ما تقریباً به نماز مغرب خلط است، (سایهٔ اصلی همان است که در ابتدای زوال می باشد).

٢- وقت نماز عصر: بعد از دو مثل شروع می شود نزد امام بزرگ، وبعد از یك مثل شروع می شود نزد

دیگران، وتا غروب آفتاب این وقت باقی می ماند، اگرچه تاخیر نماز تا زرد گشتن رنگ آفتاب مکروه است.

٣- وقت نماز مغرب: (شام): از غروب آفتاب شروع شده تا غروب شفق سرخ باقی می ماند.

٤- وقت نماز خفتن: از غروب شفق شروع می شود وتا طلوع صبح صادق باقی میماند، البته تاخیر نماز خفتن تا بعد از نصف شب مکروه است.

٥- وقت نماز وتر: بعد از عشاء شروع می شود وتا طلوع صبح باقی می ماند.

٦- وقت نماز فجر: از طلوع صبح صادق شروع می شود وتا طلوع آفتاب باقی می ماند، لیکن مسنون این است که آنقدر وقت خوانده شود که در صورت فساد برای اعادهٔ نماز وقت باقی باشد که اعاده در طلوع آفتاب واقع نه شود.

٧- وقت نماز جمعه: همان وقت نماز ظهر است، وتعجیل نماز جمعه اولی تر است.

اوقات نماز عیدین

وقت نماز عیدین بعد از بلند شدن آفتاب بقدر یك گز (یعنی تقریبًا بیست دقیقه بعد ازطلوع آفتاب شروع می شود

وتا زوال باقی می باشد، البته در حین قیام مکروه است).

مقدار رکعت های نماز

۱- در نماز فجر: اولا دو رکعت سنت ادا کرده می شود، وبعداً دو رکعت فرض.

۲- در نماز ظهر: اولا چهار رکعت سنت ادا کرده می شود، وثانیًا چهار رکعت فرض، وبعداً دو رکعت سنّت.

۳- در نماز عصر: صرف چهار رکعت فرض می باشد وبس.

٤- در نماز مغرب: سه رکعت فرض وبعداً دو رکعت سنت ادا کرده می شود.

٥- در نماز عشاء: اولا چهار رکعت فرض، وبعداً دو رکعت سنت ودر آخر سه رکعت وتر واجب می باشد.

٦- در نماز جمعه: اولا چهار رکعت سنت وبعداً دو رکعت فرض وباز چهار رکعت سنت ودر آخر دو رکعت سنت که مجموع دوازده رکعت می شود.

خاطره: دو رکعت تحیة المسجد که در روز جمعه قبل از چهار رکعت سنت ادا کرده می شود آن از سنت زوائد است که مخصوص به روز جمعه نیست، بلکه در هر داخل

شدنِ در مسجد برای هر نمازیکه باشد غیر از نماز فجر آن مستحب است، اگرچه جاهلان آن را مخصوص بروز جمعه وحصهٔ نماز جمعه میدانند، نیز آن دو رکعت را بمجرد داخل شدن در مسجد باید ادا کرده شود، نه که بعد از نشستن باز بر خواسته آن را ادا کند، این خلاف سنت است.

۷- نماز تراویح: که بعد از عشاء وقبل از وتر ادا کرده می شود بیست رکعت می باشد.

۸- ودر هردو نمازعیدین: دو دو رکعت واجب می باشد.

۱- مسئله: اگر شخصی سنت ظهر را نیت کرده باشد که جماعت شروع شود وامکان درك کردن جماعت هم باشد باید سنت را ختم نموده بعداً در فرض شامل شود، واگر سنت را نیت نه کرده بود که جماعت شروع شد باید که اولا فرض را به جماعت ادا کند بعداً سنت را بخواند.

۲- مسئله: در سنت فجر اگر درك کردن یك رکعت با جماعت امکان داشته باشد باید در یك جای بیرون از صف (عقب دیوار یا ستون یا خارج از مسجد) سنت را ادا نموده باز در فرض شریك شود.

۳- مسئله: واگر خطر فوت شدن جماعت باشد باید در جماعت شریك شده فرض را بخواند، وپس از طلوع

٤٩

آفتاب دو سنت را قضا آرد (چون در حدیث بعد از فرض فجر دیگر هر قسم نماز را منع کرده شده است)، لهذا از ائمهٔ اربعه کسی به خواندن دو سنت بعد از فرض فجر اجازت نداده است، وحدیث ترمذی راوی متکلم فیه دارد، اگر مجدّدین عصر ما این را برای امتیاز خود ها فتوا داده اند ملامت نیستند؛ چون این ها مرفوع القلم اند).

فرائض نماز

١- پاك بودن جسم ولباس وجای نماز. ٢- ستر نمودن مرد از ناف تا زانو فرض است، واز زن ستر نمودن تمامی جسم غیر از روی وهر دو کف دست وهر دو قدم لازم است. ٣- وقت نماز را لحاظ کردن. ٤- روی را بطرف قبله نمودن. ٥- بدل نیت کردن. ٦- تکبیر تحریمه (الله أكبر گفتن). ٧- قیام. ٨- قراءت یعنی کم از کم یك آیت دراز (برابر آیة الکرسی) یا سه آیت کوتاه خواندن. ٩- رکوع نمودن. ١٠- سجده کردن. ١١- قعدهٔ اخیر. ١٢- به ارادهٔ خود از نماز فارغ شدن. به ترك هر یك ازین امور نماز فاسد می شود.

واجبات نماز

۱- خواندن سورهٔ فاتحه (الحمد). ۲- ضمّ سوره یعنی بعد از فاتحه سوره یا آیت دیگر خواندن. ۳- در دو رکعت اول فرض که چهار رکعتی باشد یا سه رکعتی قراءت کردن. ٤- بعد از رکوع راست ایستاد شدن. ٥- درمیان هر دو سجده بقدر یك تسبیح (سبحان الله گفتن) توقف کردن. ٦- ترتیب را خیال کردن (یعنی اولا قیام بعداً رکوع وبعد ازان سجده). ۷- قعدهٔ اول بقدر التحیات. ۸- نماز را به لفظ سلام ختم نمودن. ۹- در نماز پیشین وعصر خفیه قراءت کردن. ۱۰- در نماز مغرب وعشاء وفجر به آواز بلند قراءت کردن (برای امام، اما منفرد را اختیار است)، نیز در نماز جمعه، وعیدین، وتراویح بآواز بلند قراءت کردن.

۱۱- در نماز وتر دعای قنوت را خواندن. ۱۲- ودر نماز عیدین شش تکبیر گفتن (غیر از تکبیر تحریمه) سه تکبیر در رکعت اول بعد از سبحانك اللّهم وسه تکبیر در رکعت دوم بعد از قراءت وقبل از رکوع.

۱۳- مسئله: اگر یکی از همین واجب ها را سهواً ترك کرده شود سجده سهو وواجب می شود. واگر قصداً

یکی ازین واجب ها را ترك کند نماز را اعاده کردن لازم یعنی واجب است، اگرچه فرض را ادا نموده است، لیکن به ترك واجب اعادهٔ نماز واجب است.

سنت های نماز

١- در وقت تکبیرِ تحریمه هر دو دست را تا برابر گوش ها یا شانه بالا کردن. ٢- هر دو دست را در زیر ناف (نزد ما ودر بالای ناف نزد دیگر ائمه) بستن (اما در زیر گلو در هیچ دینی نیامده است). ٣- سبحانك اللّهم را تا آخر خواندن. ٤- قبل از قراءت أعوذُ باللّه وبسم اللّه را کاملا خواندن. ٥- در رفتن به رکوع وسجده اللّه أکبر گفتن. ٦- در رکوع کم از کم سه بار سبحان ربی العظیم گفتن. ٧- ودر سجده نیز کم از کم سه بار سبحان ربّی الأعلی گفتن. ٨- در رکوع هر دو زانو را به هر دو دست گرفتن، وبه طرف پا نظر کردن. ٩- ودر سجده نگاه بر بالای بینی بودن یعنی بینی را نظر کردن. ١٠- وبه هفت اعضاء (پیشانی وبینی هر دو دست، هر دو زانو وهر دو پا) سجده کردن. ١١- درحین قعده پای چپ را هموار نموده بر بالای آن نشستن، وپای راست را ایستاده کردن. ١٢-

برای زنان هر دو پا را به طرف راست بیرون کرده بر بالای سرین نشستن. ۱۳- در قعدهٔ اخیر بعد از "التحیات" درود خواندن. ١٤- بعد از درود دعا های مأثوره (منقول از نبی ﷺ وصحابه) را خواندن. ۱۵- درحین سلام گردانیدن روی را به طرف راست وچپ گردانیدن. ١٦- در وقت سلام گردانیدن فرشته ها ومسلمانان را که در چپ وراست صفً هستند نیت کردن (یعنی از ضمیر "کم" در علیکم فرشته ها وحاضرین نماز را اراده کند).

خاطره: از ترك این چیز ها عمداً نه سجدهٔ سهو لازم می شود ونه نماز فاسد می شود، لیکن ثواب کم می شود، بلکه رفتهٔ رفته موجب ترك واجب وفرض می گردد.

مکروهات نماز

١- جمع کردن وبسته کردن مرد موی سر خود را در پس سر در نماز مکروه است.

۲- در نماز دست ها را از آستین بیرون کرده آستین را کشال (فَرَجی) کردن.

۳- لباس را (تیپ های خود را) در نماز بالا کردن.

٤- همرای جسم یا لباس خود در نماز بازی کردن

یعنی مشغول شدن.

٥- انگشت های خود را کش کردن که از آن آواز برآید.

٦- گردن خود را به طرف چپ یا راست گردانیدن یعنی به طرف غیر قبله متوجّه شدن.

٧- در نماز شکن کردن یعنی سستی وخستگی خود را دور کردن.

٨- در حین نماز دست را در بالای تیگه (خاصره) نهادن.

٩- مثل سگ در قعده نشستن.

١٠- در حین سجده بازوی خود را به زمین هموار کردن.

١١- در سجده شکم را به ران ها چسپانیدن.

١٢- بلا عذر چهار زانو در قعده نشستن.

١٣- ایستاد شدن امام در محراب که پاهایش هم در محراب باشد، بلی اگر در محراب سجده کند درست است.

١٤- بقدر یك وجب (بالشت) فقط امام یا فقط یك مقتدی از دیگر ها بالا بودن (بلی اگر همرای امام کسی دیگر نیز در بالا یا پایان باشد پروا نیست).

١٥- از صف بیرون یك نفر تنها ایستاد شدن.

۱٦- در پیش روی یا در بالای سر عکس (صورت) بودن.

۱۷- با لباس که عکس حیوانات داشته باشد نماز خواندن.

۱۸- در شانهٔ خود چادر یا لباس دیگر را آویزان نمودن.

۱۹- در وقت غلبه بول وبراز یا گرسنگی نماز خواندن.

۲۰- سر برهنه نماز خواندن (چون فعل اجتماعی پیغمبر علیه الصلاة والسلام وصحابه وتابعین چنین بنوده است، اگر در کجای یافته می شود آن هم شاذ ونادر ویا از نگاه ضرورت بوده است، ویا بغرض خشوع وتضرّع، امّا نوجوانان عصر حاضر وجهّال هم طبع آن ها از نگاه فخر وتکبّر واظهار تجدد این را به عمل می آرند).

۲۱- در وجود عالم جاهل را امام مقرر کردن.

۲۲- چیزی را در دهان گرفته نماز خواندن اگرچه مانع از قراءت نشود، واگر از قراءت مانع شود نماز بالکل درست نه می شود.

۲۳- در نماز چشم های خود را بند کردن، بلی اگر برای خاطر جمعی باشد مکروه نیست.

مفسدات نماز

(چیز هایکه ازان نماز فاسد می شود)

۱- قصداً یا سهواً در نماز سخن کردن، یا سلام کردن یا سلام را جواب دادن نماز را فاسد می کند، مندرجه ذیل امور نیز مفسد نماز می باشد.

۲- در نماز در جواب عطسه "یرحمك الله" گفتن.

۳- اذان را جواب دادن.

٤- غیر از امام خود کسی دیگر را در داخل نماز فتح دادن.

٥- سخن موجب خوشی را شنیده الحمد لله گفتن.

٦- یا مصیبت را شنیده إنّا لله وإنا إلیه راجعون گفتن.

۷- در نماز اوف اوف یا آه آه کردن.

۸- در نماز از روی قرآن کریم قراءت کردن.

۹- در داخل نماز خوردن ونوشیدن.

۱۰- بلا ضرورت به هر دو دست کاری کردن.

۱۱- سینهء خود را از قبله گردانیدن.

۱۲- یکی از ارکان نماز را که فرض باشد بلا عذر

ترک کردن (مثل قراءت).

۱۳- در سجده هر دو پای خود را از زمین بالا کردن.

١٤- از امام پیش ایستاد شدن.

١٥- به زور (قهقهه) در نماز خندیدن.

١٦- وضو شکستن در داخل نماز.

۱۷- بآواز بلند گریه کردن (از شدّت درد یا تکلیف دیگر).

۱۸- قرآن کریم را غلط خواندن که معنی تبدیل شود.

۱۹- در داخل نماز چیز را خواستن یعنی برای چیزی دعا کردن که از مخلوق خواسته می شود، چنانچه گوید: اے خدا مرا نان بده یا لباس بده، چون این سوال از مخلوق کرده می شود.

۲۰- یا خبر عجیبی را شنیده سبحان اللّٰه گفتن.

۲۱- در جای پلید سجده کردن.

از تمامی چیز های مذکورهٔ فوق نماز فاسد می شود.

سجدهٔ سهو

١- اگر سهواً کسی واجب را ترك کند، یا واجب را مکرر کند یا فرض را تاخیر کند (چنانچه در قعدهء اول بعد از تشهد درود خواند که موجب تاخیر قیام می گردد) برایش سجدهٔ سهو لازم می شود.

٢- طریقهٔ سجدهٔ سهو: این است که یك طرف یا دو طرف سلام گرداینده (بعد از خواندنِ تشهّد) باز دو سجده کند، وبعد از سجده باز تشهّد خوانده درود ودعا بخواند وسلام بگرداند.

٣- اگر امام باشد باید به یك طرف سلام گرداند، در نماز عید ودیگر جماعت های بزرگ (که خطر پریشانی مردم باشد) سجدهٔ سهو ساقط می شود؛ چونکه از کثرت مردم خطر فساد نماز می باشد.

مسائل نماز جمعه

اهمیت وفضائل نماز جمعه: ١- در "صحیح مسلم" از عبد الله بن عمر وابو هریره رضی الله عنهما روایت است که جناب نبی ﷺ در سر منبر بودند که فرمودند:

باید مردم از ترك کردن (وسستی) در نماز جمعه باز آیند، ورنه خدا دلهای ایشان را مهر خواهد کرد، ودر جملهٔ غافلین شمار خواهند شد.

۲- ودر "صحیح بخاری" از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت است که جناب نبی کریم ﷺ فرمودند که هر کس که در روز جمعه غسل کند، وحسب قدرت خود را پاك کند، وسر خود را روغن کند، وخوشبوی استعمال نماید، وباز برای نماز جمعه بیرون شود، وبعد از رسیدن به مسجد در میان دو نفر تفریق نیارد یعنی به زور در بین هر دو به نشستن کوشش نکند، وسنت ها را ادا کند، ودر حین خطبه خاموش شده خطبه را سماع کند، تمامی گناه او را ازین جمعه تا جمعهٔ دیگر خدا معاف خواهد کرد.

شرائط فرض شدن نماز جمعه:

نماز جمعه که فرض است دارای شرائط ذیل می باشد: کسیکه نماز جمعه به او لازم است. ۱- در شهر باید بود یا "در قریهٔ بزرگ". ۲- صحیح وسالم باشد. ۳- آزاد باید بود. ٤- زن نباید بود یعنی مرد باشد. ٥- عاقل وبالغ باشد (نه صبی ومجنون). ٦- معذور یعنی نابینا ولنگ نباشد. ۷- در وقت ظهر ادا باید کرد. ۸- قبل از

فرض دو خطبه خوانده شود. با جماعت ادا باید کرد یعنی غیر امام کم از کم سه نفر دیگر باید بود.

مسئله: آنانکه نماز جمعه بر ایشان فرض نیست اگر نماز جمعه را بخوانند ادا می شود.

مسئله: قبل از نماز جمعه غسل کردن سنت است.

مسئله: لباس صاف پوشیدن، وخوشبو استعمال نمودن مستحب است.

مسئله: بعد از اذانِ اول تمام شغل های خود وخرید وفروخت را ترك کرده به نماز جمعه آمدن واجب است.

مسئله: هرگاه اذان دوم داده شود وامام برای خطبه ایستاده شود باید تمام مردم خاموش شده خطبه را استماع نمایند.

مسئله: در وقت جریان خطبه نماز خواندن، وسخن کردن حرام است.

مسئله: امام ایستاده شده دو خطبه خواند، ودرمیان هر دو خطبه به قدری نشسته توقف کند، وبعد از تمام شدنِ خطبه اقامت گفته شود، ودو رکعت فرض جمعه ادا کرده شود.

مسائل عیدین

۱- نماز هر دو عید واجب است، وشرائط نماز عید بعینه همان شرائط نماز جمعه است، الا در چند چیز. (۱) خطبه عید سنت است، وبعد از نماز، (خطبهٔ جمعه فرض است وقبل از نماز). (۲) در نماز عید اذان وتکبیر نه می باشد. (۳) وقت نماز عید از طلوع آفتاب پس تر شروع می شود، ووقت جمعه وقت ظهر است.

۲- مسئله: غسل کردن وخوشبو استعمال نمودن ولباس جدید یا صاف وتازه پوشیدن در روز عید مستحب است.

۳- مسئله: پیش از رفتن به نماز عید صدقهٔ فطر را ادا باید کرد، وبعداً قدری شرینی (اگر پیدا شود) خورده زود به طرف عید گاه رود.

٤- مسئله: در راه آهسته آهسته تکبیر تشریق گوید.

۵- مسئله: قبل از نماز عید نفلِ نخواند، ونه بعد از نماز عید در عید گاه نفل خواند.

طریقهٔ نماز عید: در دل نیت کند که من دو رکعت نماز عید واجب می گذارم از عقب این امام، بعد از نیت

سُبْحَانَكَ اَللّٰهُمَّ را بخواند، پس از سبحانك اللّهم اللّٰه اکبر گفته همرای امام دست های خود را تا برابر هر دو گوش بالا کند، باز دست ها را کشال بگذارد، باز همچنان تکبیر گفته دست ها را بالا کند، وباز کشال بگذارد، ومرتبهٔ سوم که تکبیر گفته دست ها را بالا کرد بعداً دست ها را به یك دیگر بسته کند، وخاموش شود که امام قراءت می کند.

ودر رکعت دوم هرگاه که امام قراءت را ختم کرد پیش از رکوع اللّٰه اکبر گفته سه بار دست های خود را بالا می کند، ومقتدی نیز مثل رکعت اول تکبیر گفته دست های خود را بالا کند، ودر هر مرتبه دست های خود را کشال می گیرد، البته در مرتبه سوم بعد از فارغ شدن از تکبیر سوم امام تکبیر گفته همرای مقتدی به رکوع می روند، باقی رکوع وسجود مثل دیگر نماز ها می باشد.

خطبهٔ عیدین: در عیدین بعد از نماز متصلا امام ایستاده شده دو خطبه می خواند که شنیدن آن لازم است.

مسئله: در روز عید قربان مستحب است که پیش از نماز چیزی نخورد، اگر قربانی می کرده باشد بعد از نماز عید از گوشت قربانی بخورد.

مسئله: به نماز عید که می رود تکبیر گفته برود.

مسئله: نماز عید قربان را از نماز عید رمضان زود تر

بخواند (که مردم برای قربانی فارغ شوند).

مسئله: از نماز فجر روز عرفه (نهم ذو الحجه) تا سیزدهم بعد از هر فرض که به جماعت ادا کرده شود تکبیر تشریق گفتن لازم است، این تکبیر بر مسافر وزن واجب نیست. لیکن اگر از عقب امام مقیم نماز گذارند بر ایشان تکبیر واجب است.

مسائل قربانی

۱- برای هر شخص که دارای نصاب باشد قربانی واجب است.

۲- بز وگوسفند از طرف یك نفر ادا می شود وگاو وشتر از طرف هفت نفر هم درست می شود یعنی از دو گرفته تا هفت نفر شراکت کردن می توانند، اگر یك نفر تنها گاو یا شتر را قربانی کند زیاده بهتر است.

۳- از روز اول عید بعد از نماز گرفته تا مغرب روز سوم قربانی کردن می تواند.

٤- بز وگوسفند کم از یك ساله وگاو کم از دو ساله وشتر کم از پنج ساله قربانی نه می شود، یعنی باید بز وگوسفند یك ساله باشد وگاو دو ساله وشتر پنج ساله.

تکبیر تشریق: این است "اَللّٰهُ أَکْبَرُ اَللّٰهُ أَکْبَرُ لا إِلَهَ إلا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَکْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ.

مسائل واحکام سفر

۱- هر کس که به ارادهٔ سه منزل (تقریبًا نود وشش کیلو متر) از خانهٔ خود سفر کند او را شرعًا مسافر گفته می شود (خواه پیاده باشد یا سوار، در اسپ ویا شتر سوار باشد یا در موتر وطیاره، در همه صورت حکم یك است).

۲- به مجرد از قریه یا شهر خود که خارج شود احکام سفر به او جاری می شود.

۳- یعنی نماز های (فرض) چهار رکعتی را دو رکعت می خواند، واین را قصر می گویند، وروزه را اگر برایش زحمت باشد افطار می کند) وبعداً قضا می آرد.

٤- سه منزل به حساب میل ٤٨ میل می شود، ونزد بعض عبارت است از ۳٦ میل (اما قول اول را قوی قرار داده شده است که به حساب کیلو متر تقریبًا ۹٦ کیلو متر می شود).

٥- در هر شهر یا قریهٔ که پانزده روز یا زیاده ازان نیت سکونت وتوقف را کند احکام سفر ازان ساقط می

شود یعنی نماز را تمام می خواند، وروزه را افطار کردن نه می تواند، بلی هرگاه که روان شد باز قصر می خواند.

مسائل روزه

در تمامی.سال یك ماه روزه گرفتن به هر مسلمان عاقل وبالغ فرض است، وآن ماه عبارت است از ماه رمضان، شرائط فرض شدن روزه این است:

۱- مسلمان بودن. ۲- عاقل وبالغ بودن.۳- اگر زن باشد از حیض ونفاس پاك بودن، البته بعد از پاك شدن از حیض ونفاس قضای آن روزه لازم است. ٤- روزه را نیت کردن. ٥- صحیح ومقیم بودن.

تعریف روزه: از صبح صادق گرفته تا غروب آفتاب از هر گونه خورد ونوش وجماع پرهیز نمودن را روزه گفته می شود.

مسئله: سحری خوردن در یوم روزه سنت وموجب ثواب است.

مسئله: مستحب است که سحری را دیر خورده شود یعنی از سحری فارغ شود که صبح بدمد، وافطار را زود کرده شود یعنی متصل به غروب آفتاب.

مسئله: نیز مستحب است که بذریعهء خرما یا آب افطار کند والا هر چه که میسّر شود.

مسئله: در حین روزه از سخن های لغو وبے فائده پرهیز کردن واز غیبت اجتناب نمودن لازم است یعنی ثواب روزه به غیر این مرتب نه می شود.

مسئله: در حین روزه (۱) چیزی را خایدن، یا چشیدن. (۲) به شهوت بوسه کردن. (۳) غیبت کردن. (٤) دروغ گفتن. (٥) با کسی جنگ ونزاع کردن، تمامی این امور مکروه است.

مفسدات روزه

۱- از خوردن، ونوشیدن عمداً وجماع کردنِ قصداً روزه می شکند که بر ایش کفاره وقضا هر دو لازم می شود.

۲- اگر قصداً قی کند که دهانش پرشود نیز روزه می شکند، لیکن فقط قضا لازم است.

۳- به فراموشی اگر چیزی را خورد یا نوشید روزه نه می شکند.

مسئله: در روز عید رمضان ونیز در هر سه روز عید

قربان روزه گرفتن جائز نیست.

مسئله: در روزه گرفتنِ از اول ذو الحجه تا روز نهم آن، ودر روزهٔ شش روز شوال بعد از عید رمضان، نیز در روزه گرفتن نهم ودهم محرم الحرام یا دهم ویازدهم آن بسیار ثواب زیاد است، وهمچنان روزه گرفتن ۱۳ و۱٤ و۱٥ هر ماه قمری خیلی ثواب زیادی دارد.

مسائل صدقهٔ فطر

۱- شرط وجوب صدقهٔ فطر چیست؟ جواب: هر مسلمان عاقل وبالغ که دارای یك نصاب زائد از حوائج اصلیهٔ خود باشد دادن صدقهٔ فطر بآن واجب است.

۲- از طرف که بآن واجب است؟ جواب: از طرف خود واولاد نابالغ خود.

۳- آیا از طرف زنِ خود واولاد بالغ خود ویا دیگر افراد خانه لازم است که صدقهٔ فطر ادا کند؟

جواب: نے، این ظلم است که ناجائز از طرف آنها هم ازو صدقهٔ فطر وصول کرده شود، بلی اگر زن یا اولاد بالغ از خود دارای نصاب باشند به خود شان لازم است که ادا کنند.

٤- مقدار صدقهٔ فطر چقدر است؟ جواب: چهار یك کم دو کیلو گندم یا آردِ آن یا سه ونیم کیلو کشمش یا سه ونیم کیلو جو یا سه ونیم کیلو خرما، یا قیمت این ها هر چه که در بازار باشد، لازم است که از طرف یك فرد یکی از مقدار های فوق یا قیمت آن را ادا نموده شود.

٥- سوال: صدقهٔ فطر را به که داده شود؟ جواب: به هر مسلمانِ که غریب وتنگ دست باشد.

٦- سوال: به یك فقیر داده شود یا به فقراء تقسیم کرده شود؟ جواب: هر دو صورت جائز است؛ چون صدقهٔ فطر یك نفر را به چند نفر واز چند نفر را به یك نفر دادن جائز است.

٧- سوال: اگر به ملا امام داده شود طوریکه در دهات رائج است آیا این جائز است؟ جواب: سبحان اللّٰه! این بالکل غلط است زیرا این صدقه است که باید مجانًا داده شود، وامام در حق امامت خود حساب می کند، ودرین صورت مالك وامام هر دو گنهگار می شوند؛ که این به دروغ صدقه گفته می دهد، وامام هم به دروغ صدقه گفته می گیرد، حالا که هر دو در واقع در حق امامت شمار می کنند.

سوال: اگر امام فقیر باشد؟ جواب مرد فقیر امامت

ومزدوری می کند، به امام تنخواه مقرر کرده شود، واجرت امامت او را کاملا داده شود، نه که صدقه را اجرت گفته داده شود.

۸- مستحب است که صدقهٔ فطر را قبل از نماز عید داده شود تاکه بدست غربا هم یك مقدار پول آید.

۹- باید به کسیکه صاحب نصاب باشد ویا که سیّد باشد داده نه شود، زیرا صدقهٔ فطر ادا نه می شود.

۱۰- بعض ملاها می گونید که: اگر صدقهٔ فطر را ادا کرده نه شود روزه معلق می ماند آیا این درست است؟ جواب: بالکل این پوچ وغلط است، چون هر یك عبادت مستقل است، از نه دادن صدقهٔ فطر گنهگار می شود، امّا در روزه او فرقی نه می آید، چنانچه زکوة ونماز در قرآن مقدس در هر جای یك جا مذکوراند بازهم از نه دادن زکوة نماز معلق نه می ماند، بلی گناه نه دادن زکوة بذمهٔ او باقی می باشد.

مسائل زکوة

۱- مسئله: هر مسلمان عاقل، وبالغ، وآزاد که دارای یك نصاب مال باشد ویك سال بران مال گذشته باشد

ومدیون (قرض دار) نباشد زکوة بآن فرض است.

۲- مسئله: زکوة را به کسیکه داده می شود او را کاملا مالك گردانیده شود که هر چه خواهد دران تصرّف نماید.

۳- مسئله: به پدر، ومادر، وپدر کلان، ومادر کلان واولاد خود زکوة دادن جائز نیست نیز به شخصی غنی (مال دار) وسید دادنِ زکوة درست نیست.

٤- مسئله: نصاب نقره (یعنی مقدار خاص که دران زکوة واجب شود) ٥٤ تولی ودو ماشه می باشد، در نزد فقهاء همین مشهور ودر همین احتیاط است.

چهلم حصه ٥٤ تولی ودو ماشه یك تولی وچهار ماشه ودو رتی می باشد، واز مقدار مذکور همین یك تولی وچهار ماشه ودو رتی زکوة لازم است.

٥- مسئله: نصاب طلا بیست مثقال یعنی هفت تولی وهشت ماشه وچهار رتی می باشد، وچهلم حصهٔ آن دو ماشه ودو نیم رتی است که زکوة آن می شود.

٦- مسئله: دیگر اموال واجناس تجارتی را به حساب نقره یا طلا قیمت مانده زکوة ادا کرده می شود.

۷- مسئله: در نقره وطلا زکوة را از خود آنها داده شود یا برابر قیمت زکوة آنها از پول مروّجه، ودر پول های

مروجهٔ جهانی نیز قیمت نقره وطلا را ملحوظ داشته زکوة واجب می شود. چون این هر دو ثمن (پول) فطری اند، امّا باقی روپیه های جهان همه مصنوعی اند.

مسائل واحکام حج

هر شخصیکه خرج رفت وآمد بیت اللّٰه شریف را داشته باشد به شمول کرایهٔ سواری، ونیز تا باز گشت خرج ونفقهٔ اهل خانه خود را هم مالك باشد حج بر ایش فرض است، وشرائط فرضیت حج این است:

۱- مسلمان بودن. ۲- عاقل وبالغ بودن. ۳- صحیح وسالم بودن. ٤- راه دارای امنیت باشد. ٥- اگر زن باشد همرای آن محرم شرعی بودن.

فرائض حج: ۱- احرام بستن. ۲- در عرفات توقف کردن (تاکه بذکر ودعا مشغول شود). ۳- طواف زیارت کردن. ٤- ترتیب را درمیان این چهار ارکان قائم داشتن.

عمره: کسیکه قدرت داشته باشد عمره سنت است، وخصوصًا عمره در ماه رمضان را جناب نبی کریم ﷺ برابر حج قرار داده اند.

ارکان عمره: ۱- در عمره احرام است. ۲- وطواف.

۷۱

۳- وسعی در بین صفا ومروه. چون واجبات وسنن حج خیلی تفصیل می خواهد که برای آن کتاب دیگری لازم است، ونیز حج به هر کس فرض نیست، واگر فرض هست در عمر یك بار است لذا مسائل آن را درین جا ذکر نه می کنیم.

مسائل مربوط وقتِ مردن وجنازه

۱- هر شخص که نزع (جان کندن) آن قریب شود باید او را رو بقبله خوابانیده شود (از سر تا پای آن رخ به قبله باید بود، نه که صرف روی آن را به قبله گردانیده شود وبس، نه می بینی که در نماز فقط روی بطرف قبله نه می باشد، بلکه از سر تا پا همه بطرف قبله می باشد).

۲- ودر نزد او به آواز بلند کلمهٔ طیبه خوانده شود، تاکه او را یاد آید وخود کلمه بخواند، واو را گفته نه شود که: تو بخوان، مبادا که از شدّت تکلیف انکار کند، واگر یك بار کلمه خواند وبعد ازان دیگر سخن نه کرد همان کافی است، بلی اگر دیگر سخن کرد باید باز کلمه خوانده شود تاکه بار دیگر کلمه خواند وآخر کلام او کلمهٔ توحید باشد.

٣- ودر بالای آن سوره ٔ یس خوانده شود تاکه روح آن بآسانی بیرون شود.

٤- بعد از جان بر آمدن باید چشم ها ودهان میت را بند کرده شود، واعضای او را راست وبرابر کرده شود.

٥- بعداً میت را (مطابق سنت) غسل داده شود، وبعد از غسل کفن کرده شود.

٦- کفن مرد: سه عدد باید بود. (١) قمیص (کرته) (٢) ازار (٣) لفافه، ازار ولفافه دو چادر می باشند (که چادر خورد به جای ازار می باشد، البته قمیص آستین نمیداشته باشد.

٧- کفن زن: پنج عدد می باشد، همان سه که برای مرد است، ودوی دیگر (١) خمار که سر وموی های آن را بسته شود. (٢) خرقه که سینه آن را بسته شود.

طریقه ٔ پوشانیدن کفن: اول لفافه (چادر کلان) را راست کرده شود، باز در بالای آن ازار را راست کرده شود، ودر آخر قمیص را بالای او هموار کرده شود اولا قمیص را پوشانیده شود، وباز ازار را، اولا از طرف چپ ته کنند وثانیاً از طرف راست ته کنند، ودر آخر لفافه را به همین طور (اول جانب چپ را وباز جانب راست را) ته کنند.

زن را اول قمیص پوشانیده شود وبعداً موی او را دو حصه نموده از بالای قمیص به طرف سینه کشال کرده شود، وباز بذریعهٔ خمار بسته شود که موی نظر نه آید، بعد از خمار سینه بند را بسته کنند، وبعد از سینه بند ازار ولفافه را مثل که در مرد ذکر شد بسته کرده شود.

نماز جنازه: فرض کفایه است، پس اگر میت مسلمان را بدون جنازه دفن کرده شود همگی گنهگار می شوند.

تکبیرات نماز جنازه: در نماز جنازه چهار تکبیر می باشد، بعد از تکبیر اول ثنا می خواند، سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلاَ إِلَهَ غَيْرُكَ.

در فتاوای "تاتارخانیه" بعد از "وَتَعَالَى جَدُّكَ" "وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ" نیز مذکور است، در دیگر کتب فتاوی وحدیث دیده نه شده است، لذا همان ثنای نماز کافی است، وبعد از تکبیر دوم درود می خواند همان درود نماز را که درود مسنون است وبعد از تکبیر سوم به مردگان وزندگان دعا می کند، وبعد از تکبیر چهارم سلام می گرداند، فقط در تکبیر اول دست ها را بالا می کند وبس، ودر دیگر تکبیرات دسته ها بسته می باشند.

در نیت جنازه هر چهار تکبیر وثنا را بر خدای متعال، ودرود را به محمد ﷺ ودعا را برای میت اراده

می کند.

١- در جنازهٔ پسر نابالغ: این دعا را خوانده شود: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطًا وَاجْعَلْهُ لَنَا أَجرًا وَذُخْرًا، وَاجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا وَمُشَفَّعًا.

٢- ودر جنازهٔ دختر نابالغ: این دعا را خوانده شود: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا لَنَا فَرَطًا وَاجْعَلْهَا لَنَا أَجْرًا وَذُخْرًا، لَهَا لَنَا شَافِعَةً وَمُشَفَّعَةً.

٣- ودر جنازهٔ مرد یا عورت بالغ: این دعا را خوانده شود: اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا وَذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا، اَللّٰهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى الإِسْلَامِ وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الإِيمَانِ.

در دعای جنازه غیر ازین دیگر ادعیهٔ ماثوره نیز هست، امّا برای آسانی مردم که مشغول به کاروبار اند آن را ترك می کنیم.

قبر چطور باید بود؟ قبر اگر لحد باشد زیاده بهتر است، واگر شق باشد هم جائز است، در زمین های خاکی لحد افضل است، ودر زمین ریگی وسنگ دار شق.

داخل نمودن مرده در قبر: باید مرده را از طرف قبله در قبر انداخته شود، ودر وقت پایان کردنِ مرده چنین گوید: "بِسْمِ اللّٰهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ".

بعد از راست کردن مرده در قبر او را رو به قبله گردانیده شود یعنی یك پهلوی آن از زمین قدری بالا تر باشد تاکه کاملا رو به قبله شود، نه که مانند رسم گذشت صرف روی او بطرف قبله وباقی جسم راست به پشت باشد که این بالکل غلط است.

۱- پیش ازینکه رخ مرده را به قبله درست می کنند باید بند های کمر وسرو پای آن کشاده شود.

۲- بعد ازینکه از راست کردنِ میت در قبر فارغ شدند بالای قبر را بذریعهٔ تخته های سنگ، یا تخته های چوب، یا خشت خام پوشانیده شود، در نوبه خاك انداختن باید هر کس سه مرتبه در هر دو دست خود خاك را گرفته این آیت را بخواند وخاك را در بالا قبر اندازد، آیت این است: مِنهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيْهَا نُعِيْدُكُمْ وَمِنْهَا نُخرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى.

۳- بعد از فارغ شدن از دفن یك نفر در جانب سر میت ایستاده خفیةً ابتدای سوره بقره را تا ﴿عَذَابٌ عَظِيْمٌ﴾ بخواند، ویك نفر در جانب پای میت ایستاد شده آخر سورهٔ بقره را از ﴿آمَنَ الرَّسُولُ﴾ تا آخر آهسته بخواند. (چون عبد الله بن عمر همین طور وصیت کرده بود، شرح العقیدة الطحاویة).

٤- بعد ازان هر کس بطور خود برای میت دعای مغفرت کند، چون نبی ﷺ در یك جنازه صحابه را حکم کردند که «استَغفِرُوا لأخِيكُم» شما برای برادرتان طلب مغفرت کنید، لیکن نه خود دست مبارك را بالا کردند ونه کسی دیگر.

گناه های کبیره

۱- شرك کردن ۲- خون ناحق ۳- سود خوردن ٤- زنا ٥- لواطت ٦- همرای حیوانات کار بد کردن ۷- شراب نوشیدن ۸- گوشت خوگ را خوردن ۹- نماز نه خواندن ۱۰- روزه نه گرفتن ۱۱- باوجود صاحب داراری بودن حج نه کردن ۱۲- زکوة را نه دادن ۱۳- به کسی افترا کردن ١٤- دروغ گفتن ١٥- شاهدی دروغ دادن ١٦- مال صغیر (یتیم) را به ناحق خوردن ۱۷- به کسی ظلم کردن ۱۸- کسی را فریب کردن ۱۹- از میدان جهاد گریختن ۲۰- جادو کردن ۲۱- کسی را ناحق دشنام دادن ۲۲- قمار بازی کردن ۲۳- پدر ومادر وشوهر را نافرمانی کردن ٢٤- به سخن نجومی ها وقصیده خوان ها یقین کردن ٢٥- دزدی کردن ٢٦- غارت وچور وچپادل کردن ۲۷-

رسوم کفار را جائز دانستن ۲۸- در حالت حیض با زن خود هم بستری کردن ۲۹- در حین تول کردن وزن را یا در حین گز کردن میتر را کم کردن ۳۰- مانند اهل تشیع تعزیه داری کردن ۳۱- به قبر ها طواف وسجده کردن ۳۲ از مردگان حاجات خود را خواستن ۳۳- بنام مردگان نذر کردن ۳٤- ریش را تراشیدن ۳۵- مرد خود را مشابه زن سازد یا زن خود را مشابه مرد.

تمامی این امور حرام است که بعض به حدّ شرك وکفر می رسد، وبعض در مرتبهٔ گناهٔ کبیره می باشد، ومشرك را خدا بدون توبه هرگز نه می بخشد، وگناهٔ کبیره باختیار او است که معاف کند یا عذاب دهد.

الحمد لله که ترجمهٔ "جواهر الإیمان"

در (۲۳) بیست وسوم جمادی الثانی ۱٤۱۲ هـ

بعد از نماز عشاء در ده ونیم بجهٔ شب باختتام رسید،

یا خدای مهربان این رسالهٔ کوچك را توشهٔ

آخرت من واهل خانهٔ من گردانی، آمین.

چون سخن در وصف این حالت رسید

هم قلم بشکست وهم کاغذ درید

محمد انور بدخشاني عفا الله عنه